

بردن ایشان به جلسه‌ای، آمد و همان شب ایشان به شهادت رسید. شبی که خبر ترور پدر را شنیدم، همگی تا صبح بیدار بودیم. ساعت دو و نیم بعد از نیمه شب، زنگ ساعتی که ایشان را مطابق معمول برای نماز شب بیدار می‌کرد، به صدا درآمد، ولی ایشان ساعاتی قبل به شهادت رسیده بود!

که مرا مجذوب نماز خود کرد. به جای اینکه به ایشان اقتدا کنم و نمازم را بخوانم، مشغول تماشای نمازشان شدم تا هنگامی که سلام نماز را گفت و مشغول ذکر و تسبیحات شد.»

سال‌ها بعد و در شبی که «گروه فرقان» استاد را در خیابان به شهادت رساند، فرزند ایشان این خاطره زیبای به یادگارمانده از پدر بزرگوارش را نقل می‌کند:

سه‌شنبه، یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ بود. پدرم بعد از خواندن نماز، برای تنظیم و مرتب کردن کارهایش به کتابخانه رفت. من نیز که برای اقامه نماز، جانماز و مهر پیدا نکرده بودم، به کتابخانه رفتم تا یکی از جانمازهایی را بردارم که غالباً مهمان‌ها از آن‌ها استفاده می‌کردند.

مادرم به کتابخانه آمد و گفت: مجتبی در اتاق جا نماز هست، چرا از جانماز مهمان‌ها استفاده می‌کنی؟

خواستم علتش را توضیح بدهم که پدرم گفت: مسئله‌ای نیست. مهم خواندن نماز اول وقت است که از هر چیزی با ارزش‌تر و مهم‌تر است.

این آخرین سخنانی بود که از پدرم شنیدم و پس از لحظاتی، دوست پدرم برای

رفتار کودک خردسال لیخند رضایت و اشک شادمانی را بر چهره مادر نشانده بود. مرتضی، از وقتی به دنیا آمده بود، با بچه‌های دیگر فرق داشت و آن روز، شاید سه سال بیشتر نداشت که رفتارش، مادر را آن‌گونه متحیر کرده بود.

مادر دیده بود که کودک سه ساله‌اش کت او را از کنار اتاق برداشته است و به آرامی به اتاق دیگری می‌برد. مادر کنجکاوانه به دنبال او تا آستان در رفت و با تعجب مشغول تماشای کودک خردسالش شد.

مرتضی کت مادر را به دوش انداخته بود و در حالی که آستین‌ها و لبه کت روی زمین کشیده می‌شد، رو به قبله، همان‌جا که مادر همیشه نماز می‌خواند، ایستاده بود و با ادای حرکات مادر، نماز می‌خواند.

قلب شادمان مادر گواهی می‌داد که فرزندش روزی مردی بزرگ خواهد شد ... و مرتضی سال‌ها بعد، حتی وقتی استادی بزرگ بود، اهمیتی که به نماز و زیبایی عباداتش می‌داد، همگان را خیره می‌کرد. او استاد بزرگ، شهید مرتضی مطهری بود. استاد شهید مرتضی مطهری اهمیت زیادی برای نماز قائل بود. ایشان هرگز با لباس خانه نماز نمی‌خواند؛ به‌خصوص نماز صبح را. هنگام فرا رسیدن زمان نماز، لباس پاکیزه و آراسته می‌پوشید و با ظاهری زیبا و آراسته به نماز می‌ایستاد. نماز را چنان به زیبایی می‌خواند که ... یکی از نزدیکان ایشان چنین نقل می‌کنند:

«در دانشکده الهیات که استاد مطهری در آن تدریس می‌کرد، نمازخانه کوچکی بود. روزی برای اقامه نماز به آنجا رفتم. استاد را دیدم که با وجود گرمی زیاد هوا، با عمامه و عبا در حال اقامه نماز بود. استاد نماز را آن‌قدر زیبا و با توجه قرائت می‌کرد

سخن آخرین

زهرا اشرفی